



دانشکده ی ادبیات و علوم انسانی
گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی
سید جعفر عزیزی

عنوان پایان نامه
بررسی درون مایه ی سیاسی اجتماعی شاعران تاثیر گذار و
جریان ساز معاصر

استاد راهنما :

دکتر حمید طاهری

استاد مشاور :

دکتر قهرمان شیری

نام دانشجو :

سید جعفر عزیزی

مهر ماه 1386



دانشکده ی ادبیات و علوم انسانی
گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی
سید جعفر عزیزی

تحت عنوان
بررسی درون مایه ی سیاسی اجتماعی شاعران تاثیر گذار و
جریان ساز معاصر

در تاریخ :	توسط هیات داوران زیر بررسی و با درجه	به تصویب رسید .
-1	با مرتبه علمی	امضاء
-2	با مرتبه علمی	امضاء
-3	با مرتبه علمی	امضاء
-4	با مرتبه علمی	امضاء

چکیده

بی شک شعر معاصر آینه‌ی تمام نمای تحولات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی این مرزبوم است. پیش از این تصور می‌شد که ادبیات، هنری است که تنها از سر تفنن به آن پرداخته می‌شود، حتی امروزه هم در میان عوام، این اندیشه حضور دارد. اما شاعر امروز از شعر به عنوان اسلحه‌ای در مقابل تمام تهاجم‌ها استفاده می‌کند.

هدف این تحقیق این است که برای این ادعا، از برجسته‌ترین شعرای معاصر، شواهدی بیاوریم. ناگفته پیداست که یکی از دلایل عدم ارتباط مخاطب با شعر نیمایی، چند لایه بودن آن است که باعث شده هرکسی نتواند به ظرایف آن پی ببرد، یکی دیگر از دلایل هم ظاهر ساده‌ی اشعار است که باعث شده -گاه- این شعر به سخره گرفته شود، تحلیل اصولی این اشعار می‌تواند هم مشکل گشای گروه اول و هم جواب محکم و مستدلی برای این گروه باشد.

با توجه به عنوان، اوضاع کلی جامعه از هر لحاظ باید مورد بررسی قرار می‌گرفت که در این راستا به کتب معتبر مراجعه شده و تأثیرات متقابل شعر و جامعه بررسی گردیده است.

فصل اول را به دویخش کلی؛ دوران رضاخانی و دوره‌ی حکومت محمدرضا تقسیم کرده‌ایم. در هر بخش به اتفاقات مهم، جریان ساز و تأثیر گذار اشاره شده و در لابلای این اشارات، روند تحولی شعر و نحله‌های جدا شده از آن نیز بررسی شده است.

در فصل دوم که به پنج بخش تقسیم شده در هر بخشی یکی از شعرای مورد بحث اصلی پایان نامه را گنجانده‌ایم و با ذکر زندگی نامه‌ای مختصر، نگاهی کلی به آثار و تجزیه و تحلیل چند شعر، بحث را به اتمام رسانده‌ایم.

در تحلیل آثار سعی شده به رابطه‌ی دو سویه‌ی جامعه و هنرمند و چگونگی و شکل این تعامل پرداخته شود. مطالعه‌ی تاریخ سیاسی - اجتماعی این دوره، آثاری که در مورد این شعرا نوشته شده، رمز گشایی‌های استاد طاهری و در نهایت - در حد بضاعت - استنباط‌های شخصی حقیر پژوهشی را شکل داده که تمام تلاشش معرفی هر چه بیشتر و بهتر شعر امروز می‌باشد.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
1	مقدمه
فصل اول : نگاهی به اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایران همراه با تأملی در جریانات شعر نیمایی و روند تحول آن	
6	پیشگفتار
7	بخش اول : دوره‌ی رضاخانی
8	1-1-1- قرارداد 1907
8	2-1-1- قرارداد 1915
9	1-2-1-1- لغو قرارداد 1915
9	3-1-1- قرارداد 1919
12	4-1-1- خلع احمد شاه
13	5-1-1- حضور فعال رضاخان در عرصه‌ی سیاست
14	1-5-1-1- رضاخان و هیتلر
14	2-5-1-1- سقوط دیکتاتور
16	6-1-1- وضعیت کشور پس از اشغال
17	7-1-1- وضعیت کلی ادبیات در عصر رضاخان
18	8-1-1- وضعیت شعر نو در دوره‌ی رضا شاه
20	9-1-1- ایران در فاصله‌ی انتقال قدرت
22	بخش دوم : دوران پادشاهی محمد رضا شاه
23	1-2-1- به قدرت رسیدن محمد رضا
23	2-2-1- شکل‌گیری حزب توده
25	1-2-2-1- ماجرای انشعاب
26	3-2-1- تأثیر انتقال حکومت بر شعر آن دوره
27	4-2-1- شروع اختلافات آمریکا و انگلیس در ایران
28	1-4-2-1- کارشکنی‌های انگلیس
29	2-4-2-1- ترور ناموفق محمد رضا شاه
29	3-4-2-1- کودتای نا فرجام
29	5-2-1- شکل‌گیری جبهه‌ی ملی

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
30	1-5-2-1- ملی شدن صنعت نفت
30	1-2-5-2-1- تقابل حزب توده و جبهه ی ملی
31	1-2-6-6- کودتای 28 مرداد
32	1-2-7-7- اوضاع سیاسی ایران پس از کودتا
33	1-2-7-1-1- جو خفقان و استبداد مجدد
33	1-2-7-2-1- احزاب فرمایشی
34	1-2-7-3-1- انقلاب سفید
35	1-2-8-8- اتفاقات مهم دهه و تأثیر آن بر شعر
35	1-2-9-9- وضعیت شعر نو در دوره ی اول حکومت محمد رضا شاه
36	1-2-9-1- نخستین گام ها در تثبیت شعر نیمایی
37	1-2-10-10- اوضاع فرهنگی و وضع شعر نو در ایران پس از کودتا
38	1-2-10-1-1- محتوای اشعار
40	1-2-10-2-1- شکست شعر نو قدمایی
42	1-2-11-11- جهت گیری های متفاوت در مقابل شکست ها
43	1-2-11-1-1- اولین جرعه های قیام
44	1-2-11-2-1- خود باوری
45	1-2-12-12- جدال سنت و مدرنیته
45	1-2-13-13- نبرد شعر متعهد و غیر متعهد
46	1-2-13-1-1- شکل گیری موج نو
47	1-2-13-2-1- شعر چریکی
48	1-2-14-14- مرگ بهرنگی و ادامه ی شعر متعهد
49	1-2-15-15- چریک های فدایی خلق
49	1-2-16-16- جشن های شاهنشاهی
50	1-2-17-17- سازمان مجاهدین خلق
50	1-2-18-18- شعر شعار زده
51	1-2-19-19- غلبه ی شعر متعهد
52	1-2-20-20- شعر پلاستیک

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
52	21-2-1- قتل گلسرخی ؛ اتمام حجت شعر متعهد
53	22-2-1- اوضاع سیاسی و فرهنگی سال 53
53	23-2-1- وضع شعر و سیاست در سال 54
53	24-2-1- وضعیت فرهنگی سال 55
53	1-24-2-1- داستان موج ناب
54	25-2-1- نگاهی به سال های 56 تا انقلاب
54	1-25-2-1- حزب رستاخیز
54	2-25-2-1- ثبات ظاهری
55	3-25-2-1- سقوط محمد رضا شاه
55	26-2-1- جریان های شاخص هنری تا پیش از انقلاب

فصل دوم : بررسی درونمایه ی سیاسی - اجتماعی شاعران تأثیر گذار و جریان ساز معاصر

58	بخش اول : نیما یوشیج
59	2-1-1- زندگی نامه ی مختصر نیما یوشیج
61	2-1-2- نگاهی به آثار نیما
64	3-1-2- نگاهی کلی به درونمایه های سیاسی - اجتماعی نیما
71	4-1-2- بررسی درونمایه ی سیاسی - اجتماعی چند شعر نیما
71	2-4-1-2- ققنوس
73	2-4-1-2- غراب و مرغ غم
75	3-4-1-2- وای بر من
77	4-4-1-2- گل مهتاب
85	5-4-1-2- خنده سرد
88	6-4-1-2- مهتاب
93	7-4-1-2- خواب زمستانی
98	8-4-1-2- خانه ام ابری ست
100	9-4-1-2- هست شب
104	10-4-1-2- داروگ

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
107	بخش دوم : احمد شاملو
108	1-2-2- زندگی نامه ی احمد شاملو
109	2-2-2- آهنگ های فراموش شده
111	3-2-2- قطع نامه
112	1-3-2-2- تا شکوفه ی سرخ یک پیراهن
114	2-3-2-2- سرود مردی که خودش را کشته است
116	3-3-2-2- سرود بزرگ
117	4-3-2-2- قصیده برای انسان بهمن ماه
118	4-2-2- آهن و احساس
118	1-4-2-2- برای خون و ماتیک
119	2-4-2-2- مرثیه
120	5-2-2- هوای تازه
124	1-5-2-2- مرگ نازلی
125	2-5-2-2- شعری که زندگی است
128	3-5-2-2- شبانه
129	4-5-2-2- پریا
132	5-5-2-2- تلفیق عشق و سیاست
139	6-2-2- باغ آینه
142	1-6-2-2- بر سنگفرش
144	2-6-2-2- دادخواست
145	3-6-2-2- باغ آینه
147	4-6-2-2- قصه دخترای ننه دریا
148	7-2-2- آیدا در آینه
153	1-7-2-2- شبانه : از مجموعه ی «آیدا در آینه»
154	2-7-2-2- شبانه ی 8 از مجموعه «آیدا ، درخت و ...»
155	8-2-2- ققنوس در باران
159	1-8-2-2- مرثیه

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
160	9-2-2-2- مرثیه های خاک
160	1-9-2-2- شعر، رهایی است
161	2-9-2-2- با چشم ها
162	10-2-2- شکفتن در مه
163	11-2-2- ابراهیم در آتش
165	1-11-2-2- دشنه در دیس
168	12-2-2- ترانه های کوچک غربت
168	13-2-2- مدایح بی صله
170	بخش سوم: مهدی اخوان ثالث
171	1-3-2- زندگی نامه ی مختصر اخوان
۱۷۳	2-3-2- نگاهی کلی به آثار اخوان
176	3-3-2- زمستان
177	1-3-3-2- سگ ها و گرگ ها
177	2-3-3-2- زمستان
180	3-3-3-2- فریاد
183	4-3-3-2- قصه ای از شب
187	5-3-3-2- شکار
187	4-3-2- آخر شاهنامه
190	1-4-3-2- آخر شاهنامه
193	2-4-3-2- نادریا اسکندر
196	5-3-2- از این اوستا
197	1-5-3-2- آنگاه پس از تندر
205	6-3-2- در حیات کوچک پاییز
207	7-3-2- زندگی میگوید اما باز باید زیست 000 و دوزخ اما سرد
210	بخش چهارم: فروغ فرخزاد
211	1-4-2- زندگی نامه ی مختصر فروغ
212	2-4-2- نگاهی کلی به شعر های فروغ فرخزاد

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
213	3-4-2- اسیر
218	4-4-2- دیوار
220	5-4-2- عصیان
221	6-4-2- تولدی دیگر
229	1-6-4-2- بر او ببخشاید
250	7-4-2- ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد
252	بخش پنجم : سهراب سپهری
253	1-5-2- زندگی نامه‌ی سهراب سپهری
253	2-5-2- نگاهی کلی به اندیشه و آثار سهراب
257	3-5-2- مرگ رنگ
264	4-5-2- آوار آفتاب
268	5-5-2- صدای پای آب
272	6-5-2- مسافر
275	7-5-2- حجم سبز
281	8-5-2- ما هیچ ما نگاه
282	فهرست منابع و مآخذ

مقدمه

در این پژوهش شعر معاصر به شعر بعد از نیما اطلاق می شود. در این مجال هم نمی خواهیم به این نکته پردازیم که چرا اصلاً شعر نیمایی شکل گرفت یا چه کسانی مقدمات شکل گیری آن را فراهم کردند و اصولاً شعر نیمایی ضرورت بود یا نه - مگر اشاره وار - که پاسخ همه چیز مشخص است و امروز دیگر جدال بین شعر نو و کهنه سال هاست که پایان پذیرفته است.

مبدأ را نیما گذاشته ایم و به بررسی شعرهای این دوره تا انقلاب اسلامی پرداخته ایم. اینکه چرا شاعران بعد از انقلاب مورد بررسی قرار نگرفته اند - مگر شعر شاعرانی که ادامه ی روند تکاملی آن ها که قبل از انقلاب صورت گرفته در این دوره نیز ادامه دارد - یکی اینکه؛ اعتقاد دارم گذر زمان، بزرگترین منتقد است و به نظر می رسد که هنوز زمان لازم بر شعر این شاعران نگذشته است تا بتوان گفت آن ها شاعرانی تأثیرگذار و جریان ساز هستند یا نه؟

در مورد شاعرانی که زمان را گذرانده اند اما از آن ها نامی نیامده است دلیل ما این بوده که در تعریف شاعران مورد نظر ما نمی گنجند. نهایت اینکه بعضی ها برای دوره ای کوتاه تأثیرگذار و جریان ساز بوده اند لذا با توجه به محدودیت های این پژوهش فقط به ذکر نام آن ها به صورت اشاره وار و در حد لزوم اکتفا کرده ایم. زمان و مخاطب - اولی جدی تر و دومی در سایه ی اولی - بر انتخاب ما برای ماندگار شدن یک اثر هنری تأثیری غیر قابل انکار دارد و اصولاً جز این دو نمی توان عامل دیگری را متصور بود! از انبوه شاعرانی که آمده اند و رفته اند ما پنج شاعر را انتخاب کرده ایم که به ذکر دلایل این انتخاب می پردازیم:

اگر خواننده ی این نوشته به صورت جدی در حال و هوای شعر امروز این مملکت نفس کشیده باشد، یقیناً می داند که نیما، اخوان ثالث، فروغ فرخزاد، شاملو و سپهری شاعران ماندگار عرصه ی شعر معاصرند؛ با توجه به فراگیری مخاطب و اینکه هنوز هم چه نسل جوان و چه آنان که دو پیراهن بیشتر پاره کرده اند از شاعران نیمایی این پنج نفر را می ستایند با شدت و حدتی متفاوت!

حالا ممکن است در یک مقطع سنی مثلاً شاعری مثل مشیری نیز مورد اقبال مردم قرار گیرد اما انصاف

بدهیم که آیا همان مخاطب در سنین بالاتر باز هم مشیری را ایده آل می داند؟

نیما، به عنوان آغازگر شعر نیمایی و پدر شعر نو - حتی اگر نخواهیم که می خواهیم - باید در این مجموعه حضور داشته باشد که این چهار شاعر بعدی و همه ی شاعران شعر نو و نحلّه های جدا شده از آن وامدار این چشمه ی همیشه جوشنده اند.

احمد شاملو، در عرصه‌ی شعر سیاسی - اجتماعی مخصوصاً و حتی در دیگر موضوعات و مضامین ادبی و فکری از ماندگارترین چهره‌های این مرزوبوم است و زبان شاملویی و شعر شاملویی (شعر سپید) امروز حتی بیشتر از شعر نیمایی - با رعایت وزن و قافیه - طرفدار دارد.

عرفان سپهری و درگیری‌های ذهنی او نسبت به اجتماع و زبان ساده و البته تأمل برانگیز او که حقیقتاً برای درک خیلی از آنها باید با مبانی مکاتب فکری خاصی آشنا بود، باعث شده که خیلی از شاعران امروز تحت تأثیر او باشند.

فخامت زبان اخوان که به منزله‌ی مختصه‌ی بارز و ممیز برای شعر او محسوب می‌شود باعث شده که هر کس بخواهد شعر نیمایی بسراید و از زبان حماسی سود بجوید - چه منصفانه و چه غیر منصفانه - تحت تأثیر زبان اخوان شناخته شود.

فروغ، بانوی ماندگار شعر نیمایی است. حساب پروین اعتصامی که از این داستان جداست. سیمین بهبهانی هم سعی در نوآوری‌هایی در زبان دارد ولی شعر او کلاسیک است و در این طبقه بندی نمی‌گنجد و کسانی مثل طاهره صفارزاده هر چند نیمایی سرایند اما از حیث تأثیرگذاری در این مجال جایی ندارند. تأثیر فروغ به حدی است که «شعر گفتار» که سید علی صالحی داعیه‌ی رهبری آن را دارد و امروز یکی از جریان‌های مهم شعری به حساب می‌آید - به اعتراف خود صالحی - (شعر در هر شرایطی، ص 37) وامدار زبان شعری فروغ بوده است. اینها دلایل انتخاب این پنج ستاره‌ی ماندگارند.

نکته‌ی دیگر که نباید از ذکر آن غافل شویم اینکه، ممکن است در انتخاب ما در عرصه‌ی یک جریان فکری یا زبان شعری و حتی شکل و فرم، شاعران دیگری نیز بگنجد، اما سعی شده است بهترین انتخاب را داشته باشیم و برای جلوگیری از متهم شدن به بی‌انصافی به ذکر نامی از آن دیگران بسنده کرده ایم! و نکته‌ی مهمتر اینکه این شاعران همه خود را نیمایی سرا می‌دانند و داعیه‌ی داشتن مکتب جدید در شعر را ندارند. حقیقت این است که مهمترین جریان شعری در روزگار ما شعر نیمایی است حتی اگر در قالب‌های کلاسیک هم اتفاقاتی از جهت محتوا، زبان و حتی بعضی تلاش‌ها در جهت تغییر فرم - که البته بیشتر یاد آورد «تفنن» های ادبی گذشتگان است - رخ داده است تحت تأثیر شعر نیمایی بوده است. مثلاً وجود محور عمودی در غزل - که امروز رایجترین و مورد توجه‌ترین قالب کلاسیک است - تحت تأثیر محور عمودی در شعر نیمایی است.

لازم به توضیح نیست که نیما فقط افاعیل عروضی را کوتاه و بلند نکرد و فقط قافیه ها را از سر جای از پیش تعیین شده اش - همانطور که در شعر کلاسیک وجود داشت - برداشت؛ اینها بود و مهمتر از این مسایل تغییر نگرش شاعر، انعطاف و تغییر لحن و زبان با توجه به موضوع و با تکیه بر ادب کلاسیک و تغییر نگاه مردم به شعر؛ که شعر را تفننی از سر بیکاری می دانستند نیز بود.

نیما پدر شعر فارسی است، اگر چه نیما نیز چون رودکی آغاز کننده ی شعر نوین فارسی ایران نبود و پیش از او شاعران با قریحه و آگاهی چون تقی رفعت، ابوالقاسم لاهوتی، جعفر خامنه ئی، شمس کسمایی و دیگر و دیگران که با ادبیات اروپایی و ترک آشنایی یافته بودند، به همین سبک و سیاق شعر سروده بودند؛ ولی فرق نیما با دیگر نوپردازان پیش از خود در این بود که او با آشنایی وسیع با ادب فارسی و اروپایی و با آگاهی از حقیقت تغییر و تحول و با انگیزه و شور و ایمانی پایان ناپذیر کوشید و توانست تحت یک تئوری و به عنوان یک تئوریسین، شتاب فوق العاده ای به شعر مدرن بدهد، چندان که این نوپای نو راه، ره صدساله را یکشنبه طی کند. از عظمت و مبدع شناخته شدن نیما در همین نکته است و این مطلب هم چیزی نبود که از چشم نیما (بر خلاف بسیاری از طرفدارانش) پنهان بماند. او با آگاهی کامل بدین نکته و با اعتماد به نفسی که در خور چنین رهبری است می نویسد: «اسلوب های هنری که توسط شخصیت های بزرگ تر (قوی تر) به روی کار می آید نتیجه شخصیت های کوچک است» (ارزش احساسات، نیمایوشیخ، ص 94) خود نیما اعتقاد دارد که «در هیچ جای دنیا آثار هنری و احساسات نهفته و تضمین شده در آن عوض نشده اند مگر در دنباله عوض شدن شکل زندگی های اجتماعی» (همان ص 37) بی شک رخدادهای سیاسی و اجتماعی ایران، بر تطور ادبی و به ویژه شعر که هنر ملی ماست، تاثیر چشم گیری داشته است و به تعبیر دیگر، ادبیات هر جامعه، روح آن جامعه و ادبیات هر زمان، بازتاب واقعیت های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی آن زمان است. شعر فرمایشی (مدح و هجو) پیش از مشروطیت، بیانگر رژیم استبدادی و نظام مالک و رعیتی بود. شعر مشروطیت، نشانه ی انقلاب در جهت استبداد ستیزی، همچنان که شعر چریکی مثلاً بازتاب ادبی واقعه ی سیاهکل و یا سرانجام شعر آیینی و جهادیه های پس از انقلاب، بازتاب پیروزی انقلاب اسلامی است. نکته ی دیگر آنکه شمار درخور توجهی از شاعران هر عصر، خود در عرصه های سیاسی فعال بوده اند، عارف قزوینی، ملک الشعرای بهار و دهخدا در عصر مشروطیت - که از بحث ما خارجند -، شاملو و اخوان پس از شهریور 1320 و در نهضت ملی کردن صنعت نفت و... لذا «تحلیل و بازشناسی شعر هر زمان بدون آشنایی با تاریخ سیاسی آن عصر، ممکن نیست» (ادبیات معاصر ایران، سید حسن امین، ص 33)

این مقدمه را برای این ذکر کردم که بگویم برای بررسی شعر نیمایی، ناچاریم تحولات اجتماعی - سیاسی دوره ی مورد بحث را بررسی کنیم؛ دیگر اینکه با توجه به عنوان پایان نامه بدون شک احتیاج است که نگاهی هر چند گذرا به اوضاع سیاسی و اجتماعی این دوره داشته باشیم.

در این گذار جریان های فکری و شعری مرتبط با شعر نیمایی به طور خلاصه بررسی می شوند و فقط به بانیان آنها و شاعران مشهور آن جریان ها پرداخته ایم. بیشتر سعی شده است بستری را که شاعران مورد بحث ما در آن زندگی کرده اند و اوضاع و احوال سیاسی - اجتماعی آن دوره مطرح شود تا در هنگام بررسی هر شاعری اگر به موقعیت اجتماعی یا سیاسی خاصی اشاره داشتیم، خواننده حداقل یک پیش زمینه ی فکری قابل دسترس در اختیار داشته باشد؛ در هنگام تحلیل شعر هر شاعری اگر لازم بود به جزئیات هم اشاره می شود و همانطور که گفته شد همراه با ترسیم فضای کلی جامعه تقریباً به صورت سال به سال نیز روند تحول شعر نیمایی مورد بحث قرار گرفته است.

فصل اول :

نگاهی به اوضاع سیاسی، اجتماعی

و فرهنگی ایران همراه با تاملی

در جریانات شعرنیمایی و روند

تحول آن

تاکید ما بر پیوند میان ادبیات با سیاست، جامعه‌شناسی و تاریخ به این معنی نیست که شعر و ادب مستعمره‌ی علوم سیاسی، جامعه‌شناسی و تاریخ است، بلکه به این معنی است که هیچ نویسنده، شاعر و هنرمندی آزادی محض ندارد و خاستگاه اقلیمی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی او در آثارش تاثیر گذار است و به همین دلیل - صرف نظر از مقوله‌ی ادبیات متعهد، یا تئوری هنر برای هنر - نویسنده و شاعر هر روز گاری باید یکی از صداهای روزگار خود باشد.

ایران اسلامی ما از آن کشورهایی است که تاریخ پر فراز و نشیبی را پشت سر گذاشته است و بالطبع مردم و جامعه‌ی ما هم دچار تحولات شگرفی شده‌اند. این تحولات همواره بر هنر ما تاثیر گذار بوده و هنرمندان ما آگاهانه یا ناآگاهانه در مسیر توفان اتفاقات و تحولات جامعه قرار داشته‌اند، این اتفاق بیشتر در مورد شعر و شاعران، تاثیر گذار بوده است. در ادبیات کلاسیک هم نمونه‌هایی از شاعرانی که بیشتر از درون به بیرون توجه داشته‌اند و متوجه اتفاقات اطراف بوده‌اند یافت می‌شوند، اما تجلی این حضور، با جدیت بیشتر در دوره‌ی مشروطیت و با آگاهی و بسامد بالاتر در شعر معاصر یافت می‌شود.

شعر فارسی از دوره‌ی مشروطیت به بعد، بر اثر نوآوری‌های لفظی و معنوی، دگرگونی در قالب و محتوا و تغییر و تحول‌های مختلف فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، نوع و تحول یافت، مثلاً در این دوره در نتیجه‌ی نفوذ فرهنگ نورد ذهن و زبان شاعران عناصر تخیل و آرمان‌های شاعر تغییر کرد و مخاطب شاعر هم که پیش از مشروطیت، شخص حاکم و سلطان یا یک مخاطب زورمند و زورمند دیگر بود، پس از مشروطیت به جامعه و ملت گسترش یافت. نتیجه‌ی مستقیم این تغییر آن بود که عواطف شاعر به جای من شخصی و فردی، به یک من اجتماعی و ملی تبدیل شود.

تغییر سیاست استعمارگران در ایران مبنی بر به وجود آوردن یک حکومت قوی بر خلاف سیاست‌های پیشین که بیشتر مبنی بر تفرقه اندازی بود مقدمات حضور رضا خان را به وجود آورد، اما در نهایت خود تصمیم به حذف او گرفتند و فرزندش به جای او به حکومت رسید، ما در این فصل به بررسی این تغییر و تاثیرات آن بر جامعه و شاعران - به عنوان حساسترین شاخک‌های جامعه - خواهیم پرداخت.

بخش اول

دوره ی رضا خانی

1-1-1-1- قرارداد 1907

«شاه مستبد و خود فروخته ای چون «محمد علیشاه قاجار» در اثر بی کفایتی موجبات قرارداد 30 اوت 1907 را به وجود آورد. این قرارداد که به قرارداد 1907 معروف شد به پیشنهاد «کلمانسو» رئیس الوزرای وقت فرانسه بر ایران تحمیل گردید.

بر طبق قرارداد مزبور، منطقه ای که در شمال خط واصل از قصر شیرین به اصفهان و یزد و گردنه ذوالفقار محدود می شد. منطقه روس شناخته شد. در متن قرارداد قید شده بود که دولت ایران مکلف است هیچ گونه امتیاز راه آهن و تلگراف و بانک و وسایل نقلیه و بیمه برای دولت انگلیس و رعایای آن در نظر نگیرد و دولت انگلیس نباید با گرفتن این قبیل امتیازات توسط دولت روسیه مخالفت کند دولت روسیه نیز همین تعهد را درباره منطقه نفوذ انگلیس به رسمیت شناخت.

منطقه نفوذ انگلیس محدود می شد به بلوچستان و افغانستان و خلیج فارس و خطی که از گردنه ذوالفقار به بیرجند و یزد و بندرعباس امتداد پیدا می کرد. دولتین مزبور باز هم به موجب همین معاهده کلیه امتیازاتی را که سابقاً از ایران گرفته بودند دوباره برقرار ساخته و نظارت بر عواید مناطق مذکور را تحت نظر گرفتند با آنکه آزاد مردان ایران، با این قرارداد شوم مقابله نمودند معهداً هیچیک از دولت های روس و انگلیس به اعتراض آنها واقعی نهادند. روس ها در شمال و انگلیسیها در جنوب استیلا یافتند انگلیسیها در ایالات جنوب و جزایر خلیج فارس و بحر عمان مانند روس ها در حوزه خود سپاهیانی تشکیل دادند.

1-1-2- قرارداد 1915

در سال 1333 قمری (1915 م) پس از آنکه روسها تا اصفهان پیش آمدند و انگلیس در جنوب قوای امنیه و متحدین را مغلوب ساختند، قرارداد 1907 را از میان بردند و به جای آن قرارداد دیگری را که معروف به قرارداد 1915 شد منعقد کردند و منطقه بی طرف را به کلی از میان برداشتند و ایران را به دو منطقه نفوذ منقسم ساختند و با هم پیمان بستند که روس ها در شمال، یازده هزار قزاق تربیت کنند و انگلیسیها هم قوایی

به همین اندازه، در جنوب تشکیل دهند. قوای انگلیسی پلیس جنوب نامیده شد به موجب همین قرارداد، هیئت مختلطی از دو دولت مزبور مالیه ایران را تحت اداره خود گرفت.

1-1-2-1 - لغو قرارداد 1915

وضع به همین منوال بود تا اینکه در اوایل سال 1336 هجری قمری (اواخر سال 1917 میلادی) در روسیه انقلاب کمونیستی اکتبر پدید آمد. دولت بلشویک به جای دولت تزاری نشست این دولت، در تاریخ چهاردهم ژانویه 1918 میلادی (اول ربیع الاول 1336 هجری قمری) رسماً قرارداد سال 1915 را ملغی ساخت و بدین ترتیب اساس آن، عملاً سست گردید. انگلیسی ها که با تخلیه شمال ایران از قوای روس نگران شده بودند که ممکن است آلمان ها از طریق دریای سیاه و شمال قفقاز به ایران دست یابند و هندوستان در خطر افتد از راه بلوچستان قوایی به خراسان آوردند و از طرف مغرب خود را به همدان و قزوین و رشت رساندند و تا باکو پیش رفتند.

1-1-3-1 - قرارداد 1919

با توجه به آن چه گذشت هنگامی که جنگ بین الملل اول، نزدیک به اتمام بود تقریباً تمام خاک ایران تحت نفوذ انگلیس قرار گرفت و انگلیس ها برای آنکه تمامی ایران جزء منطقه نفوذ آنها باشد از پذیرفتن نمایندگان ایران، در مجمع اتفاق ملل، خودداری کردند در مرداد ماه سال 1297 هجری شمسی «حسن وثوق» (وثوق الدوله) برای دومین مرتبه به رئیس الوزرای رسید.

وی یکی از عوامل سر سپرده استعمار انگلیس و استاد لژ فراماسونری ایران بود که به محض جلوس بر کرسی صدارت به دستگیری دو تن از وزیرانش، «اکبر میرزا مسعود» (صارم الدوله) وزیر دارایی و «فیروز میرزا فیروز» (نصر الدوله) وزیر امور خارجه که آنان نیز از مزدوران سیاست انگلیس در ایران بودند با گرفتن 130 هزار لیره رشوه از «سر پرسی کاکسی» نماینده عالی امپراطوری انگلیس در بغداد و امتیاز پناهندگی سیاسی در انگلستان قرارداد ننگینی را با دولت بریتانیا امضا نمودند، این قرارداد فاش نشد تا اینکه مسافرت احمدشاه به اروپا آغاز شد وثوق الدوله دفعتهاً با انتشار بیانیه ای پرده از این راز بر کشید و متن قرارداد را در روزنامه «رعد» افشاء و منتشر نمود و سپس چند مقاله در فواید این قرارداد به قلم «سید ضیاء الدین طباطبایی» به چاپ رساند.

این قرارداد که به قرارداد نهم اوت 1919 میلادی (برابر با هجدهم مرداد 1291 هجری شمسی) معروف شد و در زیر پوشش عوامفریبانه «موافقت نامه درباره کمک بریتانیا به منظور مساعدت به ترقی و رفاه ایران» تنظیم شده بود عملاً کشور ما را به صورت مستعمره ای، تحت الحمايه انگلستان در می آورد. مواد قرارداد ظاهراً به شرح زیر بود:

ماده اول: دولت انگلستان با قاطعیت هر چه تمامتر تعهداتی را که مکرر در سابق برای احترام مطلق استقلال و تمامیت ایران نموده است تکرار کند.

ماده دوم: دولت انگلستان خدمات هر عده مستشار متخصصی را که برای لزوم استخدام آنها در ادارات مختلفه بین دولتین توافق حاصل گردد به خرج دولت ایران تهیه خواهد کرد.

ماده سوم: دولت انگلیس به خرج دولت ایران، صاحب منصبان و ذخایر مهمات سیستم جدید را برای تشکیل قوه متحد الشکلی که دولت ایران ایجاد آن را در نظر دارد تهیه خواهد کرد. عده و مقدار ضرورت صاحب منصبان و ذخایر و مهمات مزبور، توسط کمیسیونی که از متخصصین انگلیسی و ایرانی تشکیل خواهد گردید و احتیاجات دولت را برای تشکیل قوه مزبور تشخیص خواهد داد معین خواهد شد. (نقش فریدون توللی در ادبیات سیاسی و اجتماعی، محمد رضا تبریزی شیرازی، ص 40) در هر صورت، متن قرارداد منتشر شد و طوفانی از خشم و نفرت عمومی را برانگیخت، در زمستان سال 1298 هجری شمسی تهران یکپارچه شور و هیجان بود و «مدرس» شجاع و آزاده، قهرمان آزادی و استقلال کشور، زعیم و پیشوای ملت. مردم به رهبری او اجتماعات با شکوه و پر شوری بر پا ساختند و روشنفکران، آزادگان، سیاسیون، شعرا و نویسندگان با دولت به مبارزه پرداختند.

همین تلاش‌ها و مبارزات سرانجام ثمر داد و این قرارداد بالاخره لغو شد اما «نکته شایان توجه اینکه انگلیسی‌هایی آنکه منتظر تصویب قرارداد از طرف مجلس شورای ملی بمانند شروع به اجرای مفاد آن نمودند. بلافاصله گروه مالی «ارمیتاژ اسمیت» به ایران آمد و «اسمیت» به سمت بازرسی کل امور مالی منصوب شد و مالیه کشور را تحت کنترل گرفت. همزمان با آن هیئت نظامی مرتب از «ژنرال دیکسن»، «ژنرال آیرون ساید»، «کلنل اسمیت»، «کلنل اسمایلز» و چند نفر از افسران وارد ایران گردیدند و مقامات حساسی را در سازمان نظامی ایران اشغال کردند ...

از سوی دیگر دولت های فرانسه، آمریکا و شوروی بیانیه شدید اللحنی را علیه این قرارداد انتشار دادند.

به رغم تلاشهای مذبحانه «نصرت الدوله» در جهت اجرای قرارداد و فشار و اختناق شدید «وثوق الدوله» در زندانی کردن آزادیخواهان و توقیف روزنامه ها، «مجمع اتفاق ملل» این قرارداد را به رسمیت نشناخت. «وثوق الدوله» استعفا داد ولی به احمدشاه پیشنهاد نمود که «نصرت الدوله» به جای وی به رئیس الوزرای انتخاب گردد.

شاه پیشنهاد را به دلایلی از جمله؛ جوانی و بی تجربگی و عدم کفایت «نصرت الدوله» رد کرد و «مشیر الدوله» را که از مخالفین قرارداد بود به صدارت برگزید.

نصرت الدوله در صدد انتقام برآمد. راه دیگری به فکر او رسید. طریقی که به مغز وی خطور کرد: کودتا علیه حکومت ایران، فرستادن احمدشاه به اروپا، خلع وی از سلطنت، تشکیل دولتی مطابق میل دولت انگلستان و بالاخره جلوس بر سریر سلطنت بود در جهت نیل به آمال و آرزوهای خود با «لرد کرزن» وزیر خارجه انگلیس وارد مذاکره شد و نظر او را جلب نمود. اما غافل از اینکه روبه صفتان مکار انگلیسی با مهره سرسپرده دیگری چون «سید ضیاء الدین طباطبایی» قبلاً به توافق رسیده بودند چرا که اصولاً پیش نویس قرارداد 1919 با نظر او و مقامات انگلیسی تنظیم شده بود ...

بیچاره «نصرت الدوله» فریب خورده در زمستان 1299 به همراه «محمد علی فروغی» (ذکاء الملک) به سوی ایران حرکت نمود ولی وقتی به تهران رسید با حیرت و شگفتی دریافت که کودتا به دست «سید ضیاء الدین» انجام یافته است. لدی الورود به دستور «سید ضیاء الدین» زندانی گردید و در محبس به پدر و برادرش پیوست در حکومت سه ماهه «سید ضیاء الدین» در زندان بود بارها برای رهایی به وسیله ایادی خویش دست به دامان دولت فحیمه! انگلستان شد، اما انگلیسی ها نه فقط به وی روی خوش نشان ندادند بلکه به او خاطر نشان ساختند که آزادی وی و پدر و برادرش متوقف به پرداخت پولی کلان است. از آنها مأیوس و ناامید شد تا اینکه «سید ضیاء الدین» نقش خود را به عنوان محلل بازی کرد و از صحنه سیاست خارج شد و میدان را برای به قدرت رسیدن «رضا خان» قلدر خالی نمود «قوام السلطنه» به نخست وزیری رسید و زندانیان سیاسی آزاد شدند هنوز دو روزی بیش از آزادی «نصرت الدوله» نگذشته بود که عنصر خود فروخته ای چون او که از دوستان و یاران با وفای «لرد کرزن» محسوب می شد و از عوامل سرسپرده استعمار انگلیس، تحول شگرف در طرز فکرش پدیدار شد و دشمن سرسخت سیاست انگلیس در ایران گردید. از اطلاعات وسیع و قلم توانای خویش استفاده نمود و اعلامیه ای به عنوان «بیان حقیقت» منتشر ساخت و پرده از مطامع استعماری انگلیس در قرارداد 1919 و کودتای سوم اسفند 1299 برانداخت ... همین افشاگری سبب شد که «نصرت